



<http://www.arianafghanistan.com>



په اروپا کی دمیشته افغانانو د ټولنو فدراسیون
فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا
Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

نکاتی پیرامون هفت و هشت ثور

۲۷ اپریل ۲۰۲۰

در مورد خصلت دو روز سیاه تاریخ معاصر افغانستان، هفت ثور ۱۳۵۷ و هشت ثور ۱۳۷۱ یعنی کودتای خونین هفت ثور و آغاز جنگ داخلی پس از سقوط رژیم کودتا و ریکارآمدن تنظیم ها در شش الی هشت ثور، واقعات این دو دوره مصیبت بار و عواقب آن برای افغانستان زیاد گفته و نوشته شده است. اما ۷ و ۸ ثور آن صفحاتی از تاریخ کشور ما اند که بنا به عدالت گریزی مسئولین این دوره ها هنوز بسته نشده اند. هفت ثور سر آغاز بحران خانمانسوزیست که تا امروز از مردم ما قربانی می گیرد. شش جدی ۱۳۵۸، ۸ ثور ۱۳۷۱ و ۲۵ سنبله ۱۳۷۵ پیامد های تباه کن سیه روز ۷ ثور اند. وضع امروزی افغانستان بی ارتباط به آن دو روز بدفرجام نیست. هرگاه ثبات سیاسی افغانستان در ۷ ثور برهم زده نمی شد، زندگی مردم ما اکنون شکل بهتری میداشت. در سایه قوای خارجی اکنون ۸ ثوری ها حاکم اند و ۷ ثوری ها را هم در آغوش گرفته اند و تخلف از حقوق بشرو موازین حقوق بشردوستانه هنوز هم ادامه دارد. با این مقدمه می پردازیم به نقل قول های مستند تحت عناوین فرعی ذیل:

- خصلت کودتای ثور ۱۳۵۷: " در واقع این چرخش یک انقلاب توده ئی نه ، بلکه یک کودتای نظامی بود، چونکه بوسیله واحد های ارتشی مستقر در کابل انجام شد... ناسازگاری برنامه انقلابی با روح جامعه، تلاش برای تحمیل این برنامه ها با روشهای ستمگرانه و زور و بیدارگریهای گروهی در برابر روحانیون و لایه های گسترده مردم، نیروهای حزبی را درچشمان توده ها، بیش از پیش بی ارج گردانید". (ص ۱۶ و ۱۷ افغانستان پس از بازگشت سپاهیان شوروی- جنرال محمود قاریف مشاور ارشد نظامی نجیب الله).
- تجاوز شش جدی ۱۳۵۸: " در ارزیابی نهائی، گسیل سپاهیان شوروی به افغانستان گام ناروایی بود که زیان عظیمی به خلقهای افغانستان و شوروی چه در عرصه بین المللی و چه در عرصه داخلی رسانید... درگیر شدن



در جنگ فرسایشی دیرپا در افغانستان و حمایت پیوسته از رژیم کابل، به مصارف عظیم مالی و مادی نیاز داشت که اقتصاد بی آنهم لنگان شوروی را از پای می انداخت. سرازیر شدن تعداد بزرگ کشته ها و زخمی ها توریته ارتش را نزد مردم شوروی خدشه دار ساخت و سرانجام منجر به فروپاشی شوروی شد... تعویض دولت در افغانستان با پافشاری ک.گ.ب. صورت گرفت. سفیر سابق شوروی در افغانستان فکرت احمد جانویچ توضیح داد که شاخه خلقی خود را بی آبروساخته و شاخه پرچم کمتر تند رو بوده و میتوانست مورد اعتماد مردم قرار گیرد. مگر این امیدواری ها تحقق نیافت. پرچمی ها روشنفکر بورژوا و دور از مردم بودند. با آمدن کارمل اوضاع بدتر شد. پرچمی ها تضاد با خلقی ها را در حزب، اپارات دولت و ارتش حاد ساختند. افغانستان بیش از ۳۰۰۰۰ روستا دارد. در روند اقدامات رزمی ما چندین هزار روستا توسط سپاهیان ما آزاد (بخوان: بمبارد) گردید. حکومت کابل توانست تنها در ۱۰۰۰ روستا آنهم برای زمان کمی ارگانهای محلی را ایجاد نماید. " (ص ۲۶ الی ۳۷ همان اثر). " تعداد کشته ها طی بیش از ۹ سال اشغال افغانستان شامل بیش از ۱ میلیون غیر نظامی افغان، ۹۰۰۰۰ مجاهد حاضر در جبهه، ۱۸ هزار نظامی ارتش حکومت کابل و ۱۴۵۰۰ عسکر شوروی میباشد. " (روزنامه The Atlantic شماره ۴ اگست ۲۰۱۴). خصوصیت دیگر ۱۴ سال حاکمیت خلق و پرچم اعمال اختناق بی حد و حصر بالای غیر حزبی ها و کاربرد شکنجه بصورت سیستماتیک علیه مخالفین سیاسی بود. یک مخالفت کوچک شفاهی یا گوش دادن به یک رادیوی غربی با زندان و شکنجه مجازات می شد. آنانی که عقاید سیاسی متفاوت با حکومت کابل داشتند، به جزا حبس طویل یا اعدام محکوم می شدند.

- ماهیت رویداد های ۶ الی ۸ ثور و حاکمیت تنظیم ها: در پی سقوط مزارشریف و دوسه ولایت دیگر به اثر سازش دوستم با قوماندان های تنظیمی محلی در اوایل حمل ۱۳۷۱ و کوشش نجیب الله برای فرار و پناهنده شدن اش در دفتر ملل متحد بتاريخ ۲۷ حمل، بیرونی سیاسی ح.د.خ و کمیته ۱۵ نفری توظیف شده توسط نجیب الله بتدریج تمام قطعات نظامی را با پرسونل، وسایل و مهمات آن به قوماندانهای تنظیمی بخصوص جمعیت اسلامی تسلیم کردند. " بتاريخ ۶ ثور بعد از جلسات و میانجیگری های متعدد ملل متحد، هیأت ۵۰ نفری مجاهدین بر هبری صبغت الله مجددی برای تسلیم گیری قدرت و بخشی از کابینه مجددی تعیین گردید. اما کمیته ۱۵ نفری منتظر آمدن مجددی نماند. جنرال رفیع با حکمتیار و وکیل وزیر خارجه با مسعود برای تنظیم تسلیمی قدرت نظامی در کابل ملاقات کردند. قوتهای جمعیت از استقامت قره باغ وارد کابل شدند. با ورود قوای جمعیت، حکمتیار نیز تعداد زیادی از قوت های خود را در پی توافق با جنرال رفیع، وطنجار و راز محمد پکتین بدون سلاح داخل کابل و مسلح ساخته و در وزارت داخله، قصر دلکشا و تپه بی بی مهر و جا بجا کرد. در همین روز جنگ بین نیروهای جمعیت و حکمتیار بالای کنترل کامل کابل آغاز شد. من همان روز از مزارشریف به کابل آمدم. در خیرخانه نزد جنرال بابه جان رفتم و در آنجا جریان چپاول اموال و موثر های مردم را از نزدیک مشاهده کردم. افراد انور دنگرنیز موثر های دولتی و اموال مردم را به طرف قره باغ انتقال میدادند. حزب اسلامی تعرض خود را از غند ۵۳ مخابره بطرف رادیو افغانستان آغاز کرد اما با مقاومت قوای دوستم و جمعیت مواجه شد. این جنگ دو روز در مکروریان اول ادامه داشت که خانه های مکروریان اول تخریب و مردم آن به سایر مناطق شهر

کابل و اطراف فرار کردند. حزب اسلامی از تپه مرنجان مکروربان کهنه و میدان هوایی را مورد آتش صقيله قرار داد. بتاريخ ۷ ثور قوای مشترک جمعیت و دوستم تپه مرنجان را از نزد حزب اسلامی اشغال و تپه بی بی مهرو را تحت حمله قرار دادند. حکمتیار بطرف چهارصد بستر عقب نشینی نمود و روز ۸ ثورکنترول ماموریت های پولیس نواحی یازده گانه و وزارت داخله را هم از دست داد ولی جنگ را در غرب کابل با حزب وحدت ادامه داد. در شهر غیر از صدای توپ و تانک وضجه وزاری زخمی ها که زیر آوار ویرانی ها مانده بودند چیزی شنیده نمیشد". (صفحات ۲۵-۳۶، افغانستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی اثر جنرال عبدالرؤف بیگی). " اشخاص ملکی غیر مسلح که بر آنان شک تعلق به گروه قومی رقیب برده میشود، بطور مداوم مورد لت وکوب، شکنجه های شدید و برخورد غیر انسانی قرار گرفته اند... به اثر فیر راکت ۱۱۰۰ نفر کشته و ۲۳۰۰۰ نفر زخمی گردیدند" (عفو بین المللی، افغانستان مسؤلیت جهانی، نومبر ۱۹۹۵ ص ۱۲) " هر قوماندان مجاهد در ساحة تحت کنترول خویش محکمه اسلامی تأسیس کرده. وظیفه این محکمه رسمیت بخشیدن به اراده قوماندان است. (راپور عفو بین المللی سپتامبر ۱۹۹۳). حالتی شبیه همین وضع به شمال و شمالغرب کشور نیز سرایت کرد این وضع در کابل تا سال ۱۳۷۵ یعنی اشغال کابل توسط طالبان ادامه داشت. پاکستان، روسیه و ایران هیزم کش آتش این جنگها بودند.

- طالبان: اگرچه تا ۲۵ سنبله، روز تصرف کابل از سوی طالبان وقت زیادی مانده اما با توجه به مطرح شدن طالبان بحیث نیروئی که احتمالاً در آینده نزدیک شریک قدرت در کابل شوند، تذکر نکات آتی برای تازه ساختن حافظه تاریخی شان بیجا نخواهد بود: " بتاريخ ۲۷ جولای ۱۹۹۷ دو هزار نفر را که مربوط به قوم تاجیک و هزاره بودند، تحت شرایط بدی زندانی ساختند... وقتی طالبان بار دوم به شمالی دست یافتند، باشندگان منطقه را بگمان همکاری با مسعود از منطقه راندند... در سپتامبر ۱۹۹۸ در مزار شریف هزاران فرد ملکی هزاره توسط طالبان به قتل رسید... در یکه و لنگ صد ها هزاره بعد از تصرف دوباره این ولسوالی توسط طالبان قتل عام شدند... تخریب بودا های بزرگ بامیان و سایر آثار تاریخی موزیم کابل در سال ۲۰۰۰ از سوی طالبان جنایت فرهنگی علیه مردم افغانستان است" (راپور های سازمان عفو بین المللی سالهای ۱۹۹۶ الی ۲۰۰۰). با تأسف بعد از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱، دولتهای که طالبان را با ماشین نظامی خود از قدرت رانده بودند، در تبنای با روسیه و ایران در کنفرانس بُن، به عوض آنها بقایای گروه های فوق الذکر را، دوباره به حاکمیت رساندند. قضاوت در این مورد را میگذاریم به خوانندگان این سطور.

کمیته حقوق بشر فارو

FAROE_nokate_payramun_haftohasht_saor.pdf